Quarterly Journal of Economic Research and Policies Vol. 32, No. 112, Winter 2025

Measuring Iran Central Bank De jure Independence In New Act

Meysam Khosravi
Assistant Professor, Faculty of Economics, University of Tehran (Corresponding Author)
Me.khosravi@ut.ac.ir
Mohammad Jamour
Researcher, Research Center of the Islamic Consultative Assembly
mjamour1373@gmail.com
Reza Lotfi
Researcher, Research Center of the Islamic Consultative Assembly
r.lotfi@isu.ac.ir

Enhancing the independence of the monetary authorities to mitigate inflationary bias is seen as a crucial political decision. Many countries, by adopting this approach, have assured their economies that controlling inflation and achieving macroeconomic stability are binding constraints for political authorities. Some countries enshrine such independence in their constitution, others through legislation related to the central bank, while some adhere to it in practice without any legal mandate. With the introduction of the new Central Bank Act, questions arise about whether this principle has been upheld. This study employs prominent independence measurement indicators, namely the Cukierman Index and the Grilli Index, to assess the Central Bank's independence under both the Monetary and Banking Act and the new Central Bank Act, as well as to compare it with other countries' central banks' independence. The results indicate that, compared to the Monetary and Banking Act, the new Central Bank Act has increased the Central Bank's independence by 16.6% based on the Grilli Index and by approximately 7% based on the Cukierman Index. However, despite these improvements, the legal independence of the Central Bank under the new act remains within the lowest 25% globally.

JEL Classification: E5, E58, E42, E63.
Keywords: Central Bank independence, Inflationary bias, Fiscal dominance, Central bank act.

Reccived: 2024/11/17 Accepted: 2025/02/19

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۱۲
سال سی و دوم، زمستان ۱۴۰۳، صفحه ۴۷ - ۶

اندازه گیری استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی

میثم خسروی
استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
me.khosravi@ut.ac.ir
محمد جمور
پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
mjamour1373@gmail.com
رضا لطفی
پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
r.lotfi@isu.ac.ir

اعطای استقلال به مقام پولی برای حل مساله تورش تورمی یک تصمیم مهم سیاسی به شمار می‌آید که بسیاری از کشورها با اتخاذ آن، به اقتصاد خود اطمینان خاطر داده‌اند که مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصاد کلان، قیدی الزام آور برای مقامات سیاسی محسوب می‌شود. برخی از کشورها چنین تصمیمی را در قانون اساسی و برخی دیگر در قانون مربوط به بانک مرکزی و برخی دیگر بدون الزام قانونی در عمل بدان پای‌بند هستند. با ابلاغ قانون جدید بانک مرکزی این سؤال پیش می‌آید که آیا در قانون جدید چنین تصمیمی گرفته شده است یا خیر؟ از آنجایی که استقلال بانک مرکزی یک مقوله ذومراتب و طیفی است این پژوهش تلاش کرده است تا با استفاده از مشهورترین شاخص‌های اندازه‌گیری استقلال (شاخص کوکرمن و شاخص گریلی) میزان استقلال بانک مرکزی در قانون پولی و بانکی و قانون جدید بانک مرکزی را اندازه‌گیری کرده و با میزان استقلال بانک‌های مرکزی سایر کشورها مقایسه کند. نتایج نشان می‌دهد استقلال بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی به نسبت قانون پولی و بانکی کشور، بر مبنای شاخص گریلی افزایش ۱۶/۶ درصدی و بر مبنای شاخص کوکرمن نیز افزایش حدود ۷ درصدی را در بر دارد. اما مقایسه میزان استقلال قانونی در قانون جدید بانک مرکزی نشان می‌هد که استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون جدید کماکان بانک مرکزی را در زمره ۲۵ درصد کشورهای با کمترین میزان استقلال قرار می‌دهد.

طبقه‌بندی JEL: E5, E58, E42, E6.
واژگان کلیدی: استقلال بانک مرکزی، تورش تورمی، سلطه مالی، قانون بانک مرکزی

❁ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳ / ۸ / ۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳ / ۱۲ / ۱

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

۱. مقدمه

یکی از ریشه‌های بروز پدیده تورش تورمی، سلطه مقام سیاسی بر فرایند انتشار وسیله مبادله است. به عبارت روشن‌تر مقام سیاسی که بر فرآیند انتشار پول سلطه دارد، کارهایی را در دستور قرار می‌دهد که انجام آنها بدون انتشار پول هزینه سیاسی بالاتری برای وی دارد و حالا این تسلط وی بر فرآیند انتشار پول، هزینه انجام چنین اقداماتی را برای وی کاهش می‌دهد. یا حتی ممکن است از انجام اقداماتی خودداری کند که این خودداری وی صرفاً با چاپ پول برای او میسر می‌شود. به عنوان مثال اگر دولت تصمیم بگیرد نسبت به قیمتگذاری گسترده روی بیاورد طبیعی است که این تصمیم منتهی به ورشکستگی تعدادی از بنگاه‌ها می‌شود و می‌تواند هزینه سیاسی و اقتصادی برای او داشته باشد. حال دولتی که بر فرآیند انتشار وسیله مبادله حاکم است با تزریق پول به این بنگاه‌ها از ورشکستگی یا بیکار ساختن کارگران او جلوگیری می‌کند و به این نحو وارد یک بازی با پیامد تورش تورمی می‌شود. یکی از راهکارهای جلوگیری از ایجاد این نوع بازی‌ها، استقلال مقام پولی از مقام سیاسی است که در قالب استقلال بانک مرکزی شناخته می‌شود. از انجایی که ایران بیش از ۵۰ سال است که با تورش تورمی دست و پنجه نرم می‌کند و پس از گذشت بیش از پنج دهه قانون بانک مرکزی اصلاح شده است، این سؤال ایجاد می‌شود که آیا قانون جدید بانک مرکزی نسبت به اعطای استقلال به بانک مرکزی اقدام کرده است یا خیر؟! این نکته زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد که بدانیم یکی از کانون‌های مخالفت با طرح مجلس، اعطای استقلال کم یا بیش از حد به بانک مرکزی بوده است. از آنجایی که استقلال بانک مرکزی یک پدیده صفر و یکی نبوده و طیفی است پژوهش‌های متعددی برای اندازه گیری استقلال بانک مرکزی انجام می‌شود. در ایران نیز مقالات متعددی راجع به ضرورت و چرایی استقلال بانک مرکزی نوشته شده است، اما تعداد مقالاتی که به اصلاحات اخیر تقنینی در این موضوع پرداخته باشند زیاد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

نیستند. بشخور (۱۴۰۰) به طرح مجلس در خصوص قانون بانک مرکزی پرداخته است و با روش تحلیلی توصیفی آن را در محورهای مختلف مغایر با استقلال بانک مرکزی دانسته است. اما تاکنون مقاله‌ای با روش‌های رایج دنیا نسبت به اندازه گیری استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی اقدام نکرده است. در مقاله حاضر سعی شده است بدون سوگیری مثبت یا منفی نسبت به مقوله استقلال بانک مرکزی، میزان استقلال بانک مرکزی از دولت در قانون بانک مرکزی بر اساس معیارهای موجود در ادبیات اندازه‌گیری شده و با وضعیت فعلی مقایسه گردد. تأکید بر استقلال قانونی[1] به معنای استقلال بخشی به بانک مرکزی در قانون که می‌تواند با میزان استقلال بانک مرکزی در عمل متفاوت باشد[2] از این جهت است که مشخص شود مسئله مقاله حاضر استقلال بانک مرکزی در عرصه عمل و واقعیت نیست چرا که استقلال قانونی ممکن است به علت ضعف حاکمیت قانون[3] یا دلایل دیگر به مرحله اجرا نرسد و علی رغم اینکه بانک مرکزی استقلال قانونی دارد در عمل فاقد استقلال لازم باشد.

به هر تقدیر این مقاله سعی می‌کند نشان دهد که اصلاحات انجام شده در ساختار بانک مرکزی به هیچ وجه برای اعطای استقلال سیاسی به بانک مرکزی کافی نیست و تورم ناشی از سلطه مالی با تصویب این قانون کماکان امکان بروز دارد و گام‌های اصلاحی بعدی در این حوزه باید بر اصلاح رابطه دولت و بانک مرکزی متمرکز شود.

در بخش دوم، ادبیات مرتبط با مقاله مرور می‌شود و در بخش سوم و در قالب مبانی نظری به ضرورت، ابعاد استقلال بانک مرکزی پرداخته می‌شود. در بخش چهارم شاخص‌های اندازه گیری استقلال قانونی بانک مرکزی معرفی شده و بحث می‌شوند و در بخش پنجم با استفاده از

1. Dejure independece
2. Romelli
3. Rule of law

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

شاخص‌های معرفی شده میزان استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون پولی و بانکی و قانون جدید بانک مرکزی اندازه‌گیری می‌شود.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. مبانی نظری تحقیق

در ادبیات اقتصادی، پژوهش‌های متعددی به تبیین جایگاه و ابعاد استقلال بانک مرکزی از دولت پرداخته که تعدادی از این پژوهش‌ها در قسمت پیشینه تحقیق ارائه شده است. از مجموعه مطالعات انجام‌شده در این زمینه می‌توان به جایگاه و اهمیت استقلال بانک مرکزی از دولت پی برد. پس از آنکه جایگاه و اهمیت استقلال بانک مرکزی از دولت مشخص گردید، می‌توان ابعاد و جنبه‌های مختلف استقلال بانک مرکزی از دولت را نیز مشخص کرد. بر این اساس در ادامه ابتدا جایگاه و سپس ابعاد استقلال بانک مرکزی از دولت شرح داده شده است.

۲-۱-۱. جایگاه استقلال بانک مرکزی

بانک مرکزی زمانی مستقل است که تحت تاثیر فشارهای دولت و یا سایر گروه‌های ذینفع قرار نگیرد و بتواند آزادانه سیاست‌های پولی خود را به‌کار گیرد و به طور خاص در مورد موضوع استقلال بانک مرکزی از دولت می‌توان گفت هر چه بانک مرکزی در اتخاذ و پیاده‌سازی سیاست پولی خود آزادی عمل بیشتری از دولت داشته باشد، مستقل‌تر خواهد بود (بیندر ۲۰۲۱).

در دهه ۱۹۸۰ و پس از موفقیت‌های بانک مرکزی آلمان ایده وجود بانک مرکزی مستقل برای نیل به هدف کنترل تورم طرفداران بسیاری پیدا کرد. در این دوره نرخ تورم آلمان به طور متوسط حدود ۳/۸ درصد بود که پایین‌ترین نرخ در میان اقتصادهای بزرگ قلمداد می‌شد (کوکرمن، ۲۰۰۶). بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یکی از مهم‌ترین دلایل برای مستقل کردن بانک مرکزی در طول تاریخ، کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و تورم بود. با وجود آنکه دلایل دیگری نیز برای فوائد استقلال بانک مرکزی در ادبیات ذکر شده است، اما می‌توان گفت مهم‌ترین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

آن ارتقای توان بانک مرکزی برای مهار تورم است. مطالعات زیادی از جمله مطالعه بید و پارکین (۱۹۸۵) نیز فرضیه رابطه معکوس بین استقلال بانک مرکزی و مهار تورم را تایید کرده‌اند. بنابراین در ادامه سعی شده است، نحوه اثرگذاری استقلال بانک مرکزی بر کنترل تورم توضیح داده شود.

به منظور توضیح نحوه اثرگذاری استقلال بانک مرکزی بر کنترل تورم ابتدا باید رابطه رشد نقدینگی و تورم را مشخص کرد. به طور دقیق‌تر، اقتصاددانان رشد نقدینگی را به عنوان مهم‌ترین عامل تورم در بازه بلندمدت قلمداد کرده (فریدمن، ۱۹۷۰) و بر اساس رابطه رشد نقدینگی و استقلال بانک مرکزی، رابطه تورم و استقلال بانک مرکزی را نیز توضیح می‌دهند. بر این اساس، به منظور ریشه‌یابی تورم بالای مزمن در کنار سایر عواملی که در کوتاه مدت بر تورم اثر می‌گذارند، می‌توان به عوامل مؤثر بر رشد نقدینگی تمرکز نمود. مهم‌ترین عامل رشد نقدینگی نیز وجود ناترازی‌ها در اقتصاد است که تداوم حیات برخی از سیاست‌های اقتصادی را در گرو خلق نقدینگی یا پایه پولی قرار داده و به رشد بالای کل‌های پولی منتهی می‌شود(رحمانی و سهرابی، ۱۴۰۲). به طور طبیعی شرکت‌ها و نهادهای با ناترازی مزمن عملاً ورشکسته می‌شوند و از اقتصاد خارج می‌شوند. اما به دلایل مختلف ممکن است از ورشکستگی برخی از آن‌ها از طریق پولی‌سازی بدهی آنها جلوگیری به عمل آید. تنها نهادهایی امکان پولی کردن بدهی خود را دارند که به هر طریق ممکن امکان دریافت تسهیلات مستمر را از نظام بانکی (بانک‌ها یا بانک مرکزی) داشته باشند. دولت و بخش‌های دولتی می‌توانند از طریق دریافت پایه پولی و عدم تسویه آن، کسری بودجه‌ی خود را پولی کرده و به فعالیت خود ادامه دهند. خود بانک‌ها نیز می‌توانند به واسطه اهمیت سیستمی و مسأله بزرگ توقف ناپذیر[1] ناترازی خود را طریق استقراض مداوم از بانک مرکزی جبران کنند و از این طرق به حیات مالی خود تداوم بخشند. همچنین شرکت‌های وابسته به بانک‌ها نیز در صورت ناترازی می‌توانند از طریق دریافت تسهیلات از بانک خود، ادامه

---

l. Too Big to Fail

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

فعالیت دهند. همه این سازوکارها در نهایت منجر به افزایش رشد پایه پولی و نقدینگی بیش از میزان رشد بخش واقعی گردیده و از این طریق می‌تواند تورم ایجاد کند (Uribe, 2016).

از مباحث گفته شده واضح است که برای جلوگیری از پولی شدن ناترازی علاوه بر استقلال بانک مرکزی از دولت، موارد دیگری نظیر استقلال بانک مرکزی از شبکه بانکی، کاهش ناترازی بودجه و قاعده‌مند نمودن بدهی‌های دولت، وجود قوانین مناسب برای ورشکستگی بانک‌ها و دیگر شرکت‌ها لازم به نظر می‌رسد(Berger et al, 2001). علی‌رغم اهمیّت هر کدام از عوامل یاد شده، مقاله حاضر صرفاً به استقلال قانونی بانک مرکزی از دولت و اندازه‌گیری آن پرداخته است.

۲-۱-۲. ابعاد استقلال بانک مرکزی

لازم است قبل از بحث در مورد ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی، در مورد ساحت‌های مختلف استقلال نیز بحث کرد. به طور کلی یک تفکیک شناخته شده در ادبیات بانکداری مرکزی وجود دارد که از آن به دو ساحت استقلال در اهداف[1] و استقلال در ابزار[2] یاد می‌شود(blinder,1999). معمولاً اهداف بانک مرکزی در قانون مشخص می‌شود و مهم‌ترین اهداف قانونی بانک‌های مرکزی در زمینه سیاست پولی عمدتاً ثبات قیمت‌ها (ثبات پولی)، حمایت از ثبات مالی، حمایت از رشد اقتصادی و کمک به اشتغال و همچنین حفظ ثبات و سلامت بانک‌ها و نظام بانکی (در مورد بانک‌های مرکزی دارای نقش ناظر بانکی) می‌باشد(Walsh, 2010). در برخی کشورها در قانون بانک مرکزی ثبات قیمت‌ها به عنوان هدف اصلی بانک مرکزی اعلام شده و پرداختن به سایر اهداف منوط به عدم تخطی از هدف ثبات قیمت‌ها می‌گردد.

در هر صورت با توجه به این که هدف ثبات قیمت‌ها از جمله اهداف غیر قابل مناقشه برای بانک‌های مرکزی می‌باشد و علی‌رغم این که مطابق با ادبیات مرسوم بانکداری مرکزی ثبات قیمتی

1. Goal Independence
2. Instrument independence

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

به تورم پایین و اندک نظیر ۲ درصد اطلاق می‌شود که در تصمیمات اقتصادی اختلال ایجاد نکند (گرینسپن ۱۹۹۴) لیکن در عرصه اجرا همواره این سؤال مطرح خواهد بود که میزان تورمی که بتوان آن را به عنوان مصداق ثبات قیمتی در نظر گرفت چه میزان و بر اساس چه شاخصی قابل اندازه‌گیری است. بر این اساس برخی بانک‌های مرکزی با برخورداری از «استقلال در اهداف» این امکان را دارند که خود میزان عددی تورم هدف را تعیین و اعلام کنند. لیکن دسته دیگری از بانک‌های مرکزی صرفاً از «استقلال در ابزار» برخوردار هستند و معمولاً دولت به صورت دوره‌ای نرخ هدف تورم را طی یک نامه رسمی به بانک مرکزی اعلام می‌کند. برای نمونه در کشور انگلستان وزیر خزانه‌داری[1] هدف تورمی بانک مرکزی را به آن بانک ابلاغ می‌کند در مقابل بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) دارای استقلال در اهداف می‌باشد (والش، ۲۰۱۰).

با توجه به موارد فوق، میشکین (۲۰۰۷) جمع‌بندی ادبیات اقتصادی را نشان دهنده ضرورت اعطای استقلال در ابزار به بانک مرکزی می‌داند و اعلام میزان تورم هدف توسط دولت را متضمن نوعی تعهد سیاسی برای دولت در زمینه پشتیبانی از ثبات قیمتی و رعایت اصول دموکراتیک می‌داند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها بانک‌های مرکزی دارای استقلال در اهداف می‌باشند.

استقلال بانک مرکزی در هر دو ساحت استقلال در اهداف و استقلال در ابزار دارای ابعاد مختلف و متفاوتی است. سند «پیشرفت در مسیر همگرایی ۱۹۹۶»[2] منتشره توسط بانک مرکزی اروپا، استقلال بانک مرکزی را از چهار بعد نهادی، نیروی انسانی، عملیاتی و مالی قابل بررسی می‌داند که به‌دلیل جامعیت تعریف ارائه شده در سند مزبور و نزدیک بودن آن با مفاهیم واقعی و

1. The chancellor of the Exchequer
2. Progress towards convergence (EMI) 1996

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عینی، در ادامه بر این اساس و بر اساس نتایج بررسی اسماگی[۱] (۲۰۰۷)، ابعاد استقلال بانک مرکزی تشریح می‌شود.

۱-۲-۱-۲. استقلال نهادی[۲]

صرف نظر از این که بانک مرکزی دارای استقلال در اهداف یا ابزار باشد، استقلال نهادی در حقیقت به رسمیت شناختن و مجزا بودن سیاست‌گذاری پولی/نظارت بانکی بانک مرکزی از سلسله مراتب تصمیم‌گیری موجود در دولت و سایر دستگاه‌های مشابه است اسماگی (۲۰۰۷). مفاد ماده (۱۰۸) معاهده اتحادیه اروپا و معاهده ایجاد تشکل اروپایی (اتحادیه اروپا)[۳] و ماده (۷) از فصل سوم معاهده سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی و بانک مرکزی اروپا[۴] که الحاقیه‌ای به معاهده موصوف است[۵] به شرح زیر مفهوم استقلال نهادی را بیان می‌کند:«نه بانک مرکزی اروپا و نه بانک‌های مرکزی ملی و اعضای ارکان تصمیم‌گیری آن‌ها نباید در بکارگیری اختیارات و انجام وظایف و مسئولیت‌های تفویض شده به آنها به موجب این معاهده و این سند حقوقی، تقاضای دریافت دستور از ارکان یا سازمان‌های اتحادیه/تشکل (اروپا)، دولت‌های عضو یا سایر ارکان را داشته باشند یا از دستورات آنها پیروی کنند. ارکان یا سازمان‌های اتحادیه/تشکل (اروپا) و دولت‌های عضو موظف به رعایت این اصل بوده و نباید تلاش کنند ارکان تصمیم‌گیری بانک مرکزی اروپا و یا بانک‌های مرکزی ملی را در انجام وظایف

---

۱. اقتصادان ایتالیاتی که دارای سوابق اجرایی قابل توجه از جمله تصدی برخی سمت‌ها در وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی ایتالیا و نیز هیأت عامل بانک مرکزی اروپا (ECB) و رئیس هیأت مدیره بانک سوسایته جنرال (Société Générale از جمله بانک‌های بزرگ و مشهور فرانسویِ فعال در عرصه بین‌المللی) است.

2. Institutional Independence
3. The Treaty On European Union And Of The Treaty Establishing The European Community
4. Protocol On The Statute Of The European System Of Central Banks And Of The European Central Bank
5. Chapter III: Organization Of The ESCB Article- 7

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

آن‌ها تحت تأثیر قرار دهند». برای درک بهتر استقلال نهادی باید به این نکته توجه داشت که ماده فوق را باید در این بستر تفسیر نمود که بانک مرکزی اروپا و بانک‌های ملی عضو سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی، خود دارای قانون‌های مشخص و اسناد حقوقی بالادستی مرتبط با خود هستند که سیاست‌گذاری پولی و بعضاً نظارت بانکی و امکان تصمیم‌گیری در بکارگیری ابزارهای لازم در این رابطه را به بانک مرکزی تفویض و اهداف مشخصی نظیر ثبات قیمت‌ها و ثبات و سلامت نظام بانکی را برای بانک‌های مرکزی یاد شده معین نموده است. در این چارچوب دولت‌ها و مقامات اروپایی اجازه قانونی برای تحمیل نظرات خود به بانک‌های مرکزی در خصوص سیاست پولی و نظارت بانکی را ندارند. این امر مانع همکاری یا مشورت بانک‌های مرکزی با دولت‌ها در امور فی‌مابین نیست بلکه دولت‌ها و بانک مرکزی باید همگام با یکدیگر در مسیر حل مشکلات اقتصادی کشورهای عضو گام بردارند لیکن اختیار و مسئولیت تصمیم‌گیری نهایی در مورد سیاست پولی و نظارت بانکی برای رسیدن به اهداف مقرر در قوانین و اسناد حقوقی بالادستی یعنی ثبات قیمت‌ها، ثبات و سلامت نظام بانکی با بانک مرکزی می‌باشد. در همین راستا وجود سازوکارهای همکاری و گفتگو میان مقامات/ارکان کشور و بانک مرکزی مشروط به این که نافی استقلال بانک مرکزی و محرمانگی اطلاعات نباشد فاقد ایراد می‌باشد.

بر این اساس دولت‌ها، مقامات و ارکان مربوطه مجاز به موارد زیر نیستند(Amtenbrink, 2009):

- دادن دستور به بانک مرکزی در مورد وظایف و تصمیماتی که به موجب قانون اختیار انجام یا اتخاذ موضع در مورد آن‌ها به بانک مرکزی محوّل شده است؛
- داشتن حق تأیید (به معنای منوط بودن تصمیم بانک مرکزی به تصویب در مرجع دیگر)، تعلیق، لغو و به تأخیر انداختن جزئی یا کلی تصمیماتی که بانک مرکزی در حدود وظایف و اختیارات خود و با رعایت شرایط قانونی أخذ نموده است؛
- شرکت با حق رأی در جلسات تصمیم‌گیری بانک مرکزی.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

۲-۲-۱-۲. استقلال نیروی انسانی[1]

استقلال نیروی انسانی مربوط به نحوه انتخاب و دوره مسئولیت اعضای ارکان بانک مرکزی و همچنین مدیریت تعارض منافع این اعضا است(Adrian,2024). بر اساس این جنبه از استقلال قانونی، در حالی که لاجرم انتصاب اعضای ارکان بانک مرکزی توسط مقامات سیاسی کشور صورت می‌پذیرد گفته می‌شود که این نصب و عزل با تعیین معیارها و شرایط دقیق نصب و عزل اعضای ارکان بانک مرکزی باید انجام شود و از نصب و عزل مقامات بانک مرکزی صرفاً به دلیل صلاحدید مقام سیاسی ذی‌ربط جلوگیری به عمل آید. در این راستا:ضمن تصریح قانونی شرایط اعضای ارکان بانک مرکزی از انتصاب افراد فاقد تخصص و صلاحیت لازم در ارکان بانک مرکزی ممانعت به عمل می‌آید (Lybek, 2004). دوره مسئولیت اعضای ارکان بانک مرکزی (به شرط عدم تخطی از اهداف، قوانین و رعایت ضوابط اخلاقی و حرفه‌ای) معمولاً بیشتر از ۵ سال و تا حد ممکن غیر منطبق با دوره‌های سیاسی و انتخاباتی در نظر گرفته می‌شود. شرایط مشخص و محدودی نظیر از دست دادن شرایط انتصاب، مباشرت به ارتکاب جرم و نقض عمدتاً فاحش ضوابط حرفه‌ای و عمدتاً مشروط به ثابت شدن اعتبار دلایل عزل در دادگاه صالحه برای فراهم شدن امکان عزل اعضای ارکان بانک مرکزی در نظر گرفته می‌شود. مدیریت هر نوع تعارض منافع از جمله پدیده درب‌های گردان یا وابستگی به احزاب سیاسی که بتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم سیاست‌گذاری پولی/ نظارت بانکی را تحت تأثیر ملاحظات غیرتخصصی و نامرتبط قرار دهد مورد توجه قرار می‌گیرد.

چنانچه از توضیح فوق پیدا است، مکانیزم اثرگذاری استقلال نیروی انسانی بر استقلال بخشی بانک مرکزی از دولت به این شرح است که استقلال نیروی انسانی در درجه اول از این امر ممانعت می‌کند که دولت‌ها و مقامات سیاسی بتوانند با تغییر دادن اعضای ارکان بانک مرکزی،

1. Personnel Independence

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

سیاست‌گذار پولی/ ناظر بانکی را با دستورات صادره از سوی مقامات سیاسی که با اهداف سیاست پولی/ نظارت بانکی متباین هستند، همراه سازند و در درجه دوم مدیریت آثار سوء تعارض منافع اعضای ارکان بانک مرکزی بر سیاست‌گذاری پولی/نظارت بانکی را در کانون توجه قرار می‌دهد.

۳-۲-۱-۲. استقلال عملکردی[1]

کارکردی که برای استقلال عملکردی گفته می‌شود این است که این بُعد از استقلال به بانک مرکزی این امکان را می‌دهد که به طور مستقل و فارغ از فشارهای جانبی در مورد استفاده از اختیارات قانونی خود برای نیل به اهداف مصرّح در قانون از جمله ثبات قیمت‌ها و ثبات و سلامت نظام بانکی تصمیم‌گیری و اقدام کند (Smaghi,2007). بنابراین صرف نظر از اینکه بانک مرکزی دارای استقلال در اهداف یا ابزار باشد، هر وظیفه محوّله به بانک مرکزی یا شرایطی که مانع استفاده اثربخش بانک مرکزی از اختیارات و وظایف قانونی خود در راستای تأمین اهداف تعیین شده در قانون برای بانک مرکزی (نظیر ثبات قیمت‌ها و ثبات و سلامت نظام بانکی) شود، نافی استقلال عملکردی می‌باشد. درخصوص شاخص‌های معرفی‌شده برای اندازه‌گیری استقلال عملکردی، مواردی نظیر مکلّف نمودن بانک مرکزی به تأمین کسری بودجه یا خرید اوراق دولتی در مرحله انتشار یا بازار اولیه، دنبال نمودن سیاست‌های مالی و بودجه‌ای ناپایدار و غیرمنضبط، بی ثباتی نظام بانکی/مالی و تحمیل ترجیحات بخش‌های مختلف یا فعالین بازارهای مالی به بانک مرکزی از جمله مواردی است که نمره استقلال بانک مرکزی را کاهش می‌دهد. بر همین اساس و با توجه به این که به صورت تاریخی شرایط بودجه‌ای دولت نقش مهمی در سلب استقلال بانک‌های مرکزی داشته است، معمولاً در قوانین بانک مرکزی تکیه تأمین مالی دولت بر منابع بانک مرکزی به شدت محدود می‌شود.

1. Functional Independence

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

۴-۲-۱-۲. استقلال مالی[1]

تجربه نشان داده است چنانچه یک بانک مرکزی از منظر نهادی، نیروی انسانی و عملکردی مستقل باشد اما نتواند منابع مالی لازم برای انجام فعالیت‌های خود را به صورت مستقل تأمین و به کارگیری کند در عمل امکان لازم برای تحقق اهداف مقرر برای خود را نخواهد داشت (Arnone & Segalotto, 2006). به عبارت دیگر منظور از استقلال مالی این است که بانک مرکزی از تحمل محدودیت بر بودجه درونی و هزینه‌های اداری خود به نحوی که مانع انجام وظایف محوله گردد، محفوظ بماند. اسماگی (۲۰۰۷) وابستگی مالی بانک مرکزی به دولت را به قرار گرفتن بانک مرکزی تحت فشار «شمشیر داموکلس»[2] تشبیه کرده[3] و چهار محور مهم استقلال مالی بانک مرکزی را برمی‌شمرد: (۱) اختیار بانک مرکزی در تهیه و تصویب بودجه خود، (۲) تعیین و اعمال رویه‌های حسابداری مختص بانک مرکزی، (۳) تصریح قواعد سازگار با مفهوم استقلال و شفاف در خصوص توزیع سود در قانون بانک مرکزی و (۴) تأمین هزینه‌های لازم برای انجام وظایف نظارتی.

۲-۲. پیشینه تحقیق

در این بخش تعدادی از مطالعات خارجی و داخلی که به موضوع استقلال بانک مرکزی پرداخته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. می‌توان اکثر این مطالعات را این‌گونه جمع‌بندی نمود که سطح مناسب استقلال بانک مرکزی همراه با برخی تکالیف صریح درخصوص مهار تورم، ابزار نهادی مهمی برای تضمین ثبات قیمت‌ها به دست می‌دهد. تعداد زیادی از کشورها طی ۴۰ سال گذشته

---

1. Financial Independence
2. Damocles' sword
۳. عبارت مصطلح «شمشیر داموکلس» از یک داستان اساطیری گرفته شده که مقصود از آن در مباحث معمولی سیاسی و اجتماعی عبارت است از یک خطر حادّ، یک تهدید دائمی که همیشه موجود است و هر حرکت و واکنشی را دچار مخاطره می‌کند. در این‌جا هم عبارت «شمشیر داموکلس» خطر سلطه مالی دولت بر بانک مرکزی را نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

نیز قوانین بانک مرکزی خود را بر این اساس تغییر داده‌اند. میلتون فریدمن (۱۹۶۲) در مقاله‌ای با عنوان «آیا باید یک مقام پولی مستقل وجود داشته باشد؟» بیان می‌کند که ساختار پولی بانک مرکزی باید بنحوی سازمان‌دهی شود که باثَبات و عاری از دستکاری‌های غیرمسئولانه دولت باشد. نظریه دیگری که دیدگاه استقلال بانک مرکزی را پایه‌گذاری کرده است، مدل ناسازگاری زمانی توسط کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) و بارو و گوردون (۱۹۸۳) است. پیام اصلی این نظریه این است که دولت از یک تورش تورمی رنج می‌برد و در نتیجه تورم هیچ‌گاه در سطح بهینه خود نیست. در ادامه به طور خاص تعدادی از این مطالعات بررسی شده است.

۱-۲-۲. مطالعات خارجی

آدریان و همکاران (۲۰۲۴)، به بررسی و ساخت یک شاخص جدید برای اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک‌های مرکزی می‌پردازد. این شاخص به عنوان اولین شاخص جدید در سه دهه اخیر معرفی می‌شود و بر اساس داده‌های جامع از پایگاه داده‌های بانک مرکزی و نظرسنجی از ۸۷ مقام بانک مرکزی طراحی شده است. نقاط قوت شاخص معرفی شده ساده‌سازی است به نحوی که این شاخص شامل ۱۰ معیار کلیدی است و از ۴۰ متغیر موجود در شاخص‌های قبلی کاسته است. علاوه بر این این شاخص به جای سیستم‌های وزن دهی ذهنی، از وزن‌دهی مبتنی بر داده و مبتنی بر داده‌های تجربی استفاده می‌کند.

گاریگا (۲۰۲۰)، در مقاله خود با عنوان «بیشتر از آنچه که فکر می‌کنیم؛ استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای در حال توسعه» به بررسی تأثیر استقلال قانونی بانک مرکزی بر تورم در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از یک مجموعه داده جدید، تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تورم را برای نمونه‌ای از ۱۱۸ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۳ تجزیه و تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که استقلال بالاتر بانک مرکزی با نرخ‌های

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

تورم پایین‌تر همراه است. همچنین هر چه کشوری دموکراتیک‌تر باشد، تاثیر استقلال بانک مرکزی بر کاهش تورم قوی‌تر است، اما در کشورهای غیر دموکراتیک نیز این ارتباط وجود دارد.

بوریو (۲۰۱۹)، به چالش‌های پیش روی بانک‌های مرکزی می‌پردازد و تصریح می‌کند که از زمان بحران مالی بزرگ، بانک‌های مرکزی با یک چالش سه‌گانه مواجه بوده‌اند: اقتصادی، فکری و نهادی. چالش نهادی این است که استقلال بانک مرکزی - یک نهاد ارزشمند - با انتقادات بیشتری روبرو شده است. استقلال بانک مرکزی و جهانی شدن همگرایی بسیار بالایی دارند چرا که هر دو از یک سرچشمه نشات می‌گیرند: یک محیط فکری و سیاسی که از یک سیستم باز و اقتصاد مبتنی بر اقتصاد بازار حمایت می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که سرنوشت چالش استقلال بانک مرکزی نیز به سرنوشت جهانی‌سازی وابسته است. مقاله سپس به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که می‌تواند به حفظ استقلال کمک کند. یکی از کلیدی‌ترین راه‌ها، کاهش فاصله فزاینده انتظارات بین آنچه بانک‌های مرکزی باید انجام دهند و آنچه واقعاً می‌توانند انجام دهند، است.

بوادا و هیگاشیجما (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «استقلال بانک مرکزی و سیاست مالی: آیا بانک مرکزی می‌تواند کسری بودجه را کاهش دهد؟» به بررسی تأثیر استقلال قانونی بانک مرکزی بر کاهش کسری بودجه در کشورهای دموکراتیک پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی به‌ویژه در کشورهایی با قوانین مرتبط با رعایت حقوق و قراردادها، رسانه‌های آزاد و محدودیت‌های قوه مجریه، تأثیر مثبتی بر کاهش کسری بودجه دارد. همچنین، تأثیر استقلال بانک مرکزی بر کسری بودجه به تناسب تقویم انتخاباتی و تمایلات حکومت‌ها متغیر است. این مقاله از داده‌های سالانه استقلال قانونی بانک مرکزی در هفتاد و هشت کشور از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ استفاده کرده است.

نوشته کرو و مید (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تکامل حاکمیت بانک مرکزی در سراسر جهان»، به بررسی تغییرات بانک‌های مرکزی و روش‌های عملکرد آن‌ها در دو دهه گذشته در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

سراسر جهان پرداخته‌اند و نتایج کار ایشان بیانگر تغییرات گسترده‌ای در این خصوص است. این تغییرات به ویژه در اصلاحات حاکمیت بانک‌های مرکزی تجلی می‌یابد. در این مقاله، دو جنبه اصلی حاکمیت بانک مرکزی، یعنی استقلال و شفافیت، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که بانک‌های مرکزی مستقل با سیاست‌های روشن، استراتژی‌های ارتباطی خوب و تیم‌های مدیریتی مجرب، می‌توانند به بازارها اطمینان داده و هزینه‌های اقتصادی بحران‌های سیاسی یا اشتباهات را کاهش دهند.

ایجفینگر و ده هان (۱۹۹۶)، در کتاب «اقتصاد سیاسی استقلال بانک مرکزی» مفهوم استقلال بانک مرکزی را از جنبه اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان با تأکید بر اهمیت مدیریت نهادی تورم برای ثَبات اقتصادی، به چالش‌های سیاسی پیرامون استقلال بانک مرکزی نیز می‌پردازند. نویسندگان ضمن اشاره به مزایای احتمالی استقلال در مدیریت تورم، به وجود «مشکل نمایندگی» و «خطرات سیاسی» نیز اشاره می‌کنند و معتقدند که استقلال مطلق ممکن است با دموکراسی سازگار نباشد. آن‌ها راهکارهایی مانند طراحی مناسب ساختار نهادی، تعیین اهداف روشن برای بانک مرکزی و افزایش شفافیت و پاسخگویی را برای برون‌رفت از این چالش‌ها پیشنهاد می‌دهند.

کوکرمن (۱۹۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «استقلال بانک مرکزی و سیاست پولی» اثر ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و ثَبات اقتصادی را به طور گسترده مورد بررسی قرار می‌دهد. کوکرمن با تأکید بر نقش بانک مرکزی در کنترل تورم، استقلال را به عنوان مصونیت بانک مرکزی از فشارهای سیاسی در تصمیم‌گیری‌های سیاست پولی تعریف می‌کند. وی با ارائه یک چارچوب نظری جامع، سه بعد از استقلال بانک مرکزی را شناسایی و تحلیل می‌کند: استقلال قانونی (حمایت قانونی از تصمیمات بانک مرکزی)، استقلال سیاسی (محدودیت بر عزل و نصب مقامات بانک مرکزی) و استقلال عملیاتی (کنترل بر ابزارهای سیاست پولی). کوکرمن با تکیه بر مطالعات تجربی گسترده از کشورهای توسعه‌یافته

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

و در حال توسعه، رابطه بین ابعاد مختلف استقلال و ثبات اقتصادی را بررسی می‌کند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که استقلال قانونی و سیاسی با کاهش تورم و افزایش ثبات اقتصادی ارتباط مثبت دارد. همچنین، کشورهایی با استقلال عملیاتی بالاتر عموماً به تورم پایین‌تر دست می‌یابند، اما رابطه آن‌ها با ثبات اقتصادی پیچیده‌تر است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای وی، ارائه شاخصی ترکیبی برای اندازه‌گیری استقلال بانک‌های مرکزی است. این شاخص با لحاظ کردن جنبه‌های مختلف استقلال همچنان مورد استفاده اقتصاددانان قرار می‌گیرد.

آلسینا و سامرز (۱۹۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «استقلال بانک مرکزی و عملکرد کلان اقتصادی: شواهد تجربی» به بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصادی ۱۶ کشور عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی می‌پردازند. آنها استقلال بانک مرکزی را به عنوان مصونیت آن از فشارهای سیاسی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست پولی تعریف می‌کنند. این مقاله با استفاده از رگرسیون، رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم، نرخ رشد اقتصادی، نوسانات تولید و نرخ بهره را بررسی می‌کند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی با تورم پایین‌تر، رشد اقتصادی پایدارتر و نوسانات تولید کمتر همراه است.

روگوف (۱۹۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «درجه بهینه تعهد به هدف میانی پولی» پیشنهاد می‌کند که برای کاهش تورش تورمی دولت، بهتر است سیاست پولی به یک بانک مرکزی مستقل و محافظه‌کار که هدف اصلی‌اش پای‌بندی به هدف تورمی است واگذار شود. محافظه‌کار به این معناست که بانک مرکزی نسبت به تورم حساسیت بالایی دارد و در تصمیم‌گیری‌های خود وزن بیشتری نسبت به دولت برای ثبات قیمت‌ها قائل می‌شود.

گاریگا و رودریگز (۲۰۲۳) بر اساس داده‌های مربوط به ۹۶ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ نشان داده‌اند که استقلال بانک مرکزی فارغ از اثر آن بر سطح تورم، منجر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

به کاهش نوسانات نرخ تورم نیز می‌شود. میزان این اثر در کشورهای با نظام سیاسی مردم سالار بیشتر از سایر کشورهاست.

دی‌هان و همکاران (۲۰۰۰)، به بررسی ارتباط استقلال بانک مرکزی و رشد اقتصادی و تورم در ۸۲ کشور در حال توسعه در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ پرداخته‌اند و نتیجه این تحقیق این شده است تنها برای کشورهای در حال توسعه با تورم بالا ارتباط منفی معنی دار بین استقلال بانک مرکزی و تورم وجود دارد.

کازیوک (۲۰۱۶) با اجرای یک رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که کشورهای دارای منابع طبیعی استقلال بانک مرکزی کمتری دارند اما اثر نظام سیاسی و تجربه تورم عوامل مهمتری نسبت به دارایی منابع طبیعی قلمداد می‌گردند. ریشه چنین تحلیلی نیز اخلالات نهادی برآمده از کامودیتی محوری اقتصاد، مداخلات لازم برای جبران اثر نفرین منابع و همچنین سیاست‌های ارزی و ذخایر خارجی است که صادرات کامودیتی ایجاد می‌کند و چنین اقتصادهایی را از استقلال بخشی به بانک مرکزی دور میسازد.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

شعبانی‌فرد و سید موسوی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی ساختارهای نظارت بر موسسات پولی و مالی در ایران» به آسیب‌شناسی ساختارهای نظارت بر موسسات پولی و مالی در ایران با رویکردی تحلیلی توصیفی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بانک مرکزی استقلال سازمانی لازم از حاکمیت، از حیث نهاد ناظر را ندارد. به علاوه در قانون پولی و بانکی و قانون بانکداری بدون ربا سازکار پاسخگویی مناسبی نیز برای بانک مرکزی درنظر گرفته نشده است. این مقاله همچنین معتقد است که بانک مرکزی برای رسیدگی به وضعیت بانک‌ها نیازمند اقتدار قانونی بالاتری است به‌نحوی که احکام صادره و مجازات‌های تعیین شده در هیئت انتظامی یا شورای پول و اعتبار، امکان استیناف در دیوان عدالت اداری را نداشته باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

غلامی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تاثیر استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری سیاستی بر کنترل تورم در اقتصاد کشورهای درحال توسعه» تاثیر استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری سیاستی بر کنترل تورم را در اقتصاد ۲۲ کشور آسیایی با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی تاثیر منفی بر تورم دارد. به عبارت دیگر به ازای افزایش استقلال بانک مرکزی اقتصاد ثبات بیشتری پیدا کرده و تورم کاهش می‌یابد.

محسنی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی با تأکید بر نقش استقلال بانک مرکزی» به بررسی اثر شوک ناشی از سیاست پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی با درنظر گرفتن شاخص استقلال بانک مرکزی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی می‌تواند در تجزیه و تحلیل واریانس خطای پیش‌بینی نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی سهم داشته باشد. به عبارت دیگر استقلال بانک مرکزی، نرخ رشد اقتصادی را به صورت مثبت و نرخ تورم را به صورت منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

درخشانی درآبی و محنت‌فر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب» به بررسی رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب پرداخته‌اند. این مطالعه داده‌های مرتبط با ۲۶ کشور منتخب را با استفاده از الگوی رگرسیونی و تحلیل همبستگی مورد مداقه قرار داده است. نویسندگان معتقدند که رابطه مثبت و معناداری بین درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب برقرار است.

رحمانی و صادق‌زاده (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی» به بررسی تاثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات رشد اقتصادی کشورها با استفاده از شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی برای ۴۳ کشور صنعتی و در حال توسعه در بازه ۱۹۸۹ تا

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه بیانگر رابطه منفی بین استقلال بانک مرکزی و انحراف رشد اقتصادی از مقدار بلندمدت است. به عبارت دیگر نویسندکان معتقدند استقلال بانک مرکزی با فرض عدم خنثی بودن پول می‌تواند بستر لازم برای رشد اقتصادی با ثبات را فراهم آورد.

۳. روش شناسی تحقیق

با نظرداشت به ابعاد ذکر شده برای استقلال بانک مرکزی در ادامه روش اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک مرکزی تبیین می‌شود. در ادبیات اقتصادی به موازات شکل‌گیری پایه‌های نظری استقلال بانک مرکزی، برخی از محققان نیز تلاش کردند میزان استقلال بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف را اندازه‌گیری و اثر افزایش استقلال بانک مرکزی بر عملکرد اقتصادی کشورها را بررسی کنند. نسل اول تحقیقات یاد شده عمدتاً استقلال بانک مرکزی را بر مبنای احکام قانونی مندرج در قانون بانک مرکزی کشورها اندازه‌گیری می‌کردند لیکن به مرور مشخص گردید در موارد بسیاری، بانک‌های مرکزی علی‌رغم دارا بودن استقلال قانونی در عمل و به صورت غیررسمی فاقد استقلال از دولت‌های کشور خود هستند و نمی‌توانند وظایف محوله را به دور از دخالت‌های دولت انجام دهند. بر این اساس ادبیات اندازه‌گیری آثار استقلال بانک مرکزی به صورت تدریجی اهمیت معیارهای استقلال بانک مرکزی در عرصه عمل را با ترکیب شاخص‌های استقلال قانونی و شاخص‌هایی نظیر تواتر عزل رئیس کل بانک مرکزی در بازه‌های زمانی مشخص یا صرفاً با مبنا قرار دادن شاخص‌های دسته دوم مورد توجه بیشتر قرار داد (برای نمونه ر.ک. به کوکرمن و وب (۱۹۹۵)). لذا باید اذعان داشت که استقلال قانونی شرط لازم و نه کافی برای استقلال بانک مرکزی به شمار می‌رود. بر همین اساس رابینسون و عجم اوغلو (صص ۴۴۷ و ۴۴۸، ۲۰۱۲) فاقد اثر بودن تصویب قوانین ناظر بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای دارای ضعف‌های نهادی از منظر حاکمیت قانون نظیر زیمباوه را امری طبیعی معرفی می‌کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

علی‌رغم توضیحات فوق در خصوص کافی نبودن تأمین استقلال بانک مرکزی در قانون برای اعمال سیاست‌های پولی به صورت مستقل و تخصصی، با عنایت به این که در تحقیق حاضر اندازه‌گیری میزان استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» مورد نظر می‌باشد در این بخش شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک مرکزی در کانون توجه قرار دارد. در ادبیات اقتصادی، شاخص‌های متنوعی برای اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک‌های مرکزی ارائه شده است لیکن دو شاخص بسیار مهم و شناخته شده در ادبیات استقلال بانک مرکزی، شاخص‌های معرفی شده توسط گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) و کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) است. نحوه تعیین شاخص گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) در جدول (۱) نمایش داده شده است. همان‌گونه که مشخص است این شاخص متشکل از دو زیر شاخص است: اول، استقلال سیاسی مشتمل بر: به ترتیب ۴، ۲ و ۲ معیار مرتبط با مقام دارای اختیار انتصاب رئیس کل، رابطه با دولت و ضوابط اساسی؛ دوم، استقلال اقتصادی مشتمل بر به ترتیب ۵ و ۲ معیار مرتبط با تأمین پولی کسری بودجه و ابزارهای پولی. امتیاز نهایی قانون بانک مرکزی طبق این شاخص از جمع ساده امتیازهای کسب شده (۰ یا ۱) در هر معیار به دست می‌آید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

جدول ۱. شاخص استقلال بانک مرکزی پیشنهادی توسط گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱)

(نام‌گذاری) نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)	
استقلال سیاسی	انتصاب	رئیس کل توسط دولت منصوب نمی‌شود	بله (۱)	خیر(۰)
		رئیس کل برای دوره بیش از ۵ سال منصوب می‌شود	بله (۱)	خیر (۰)
		هیچ یک از اعضای هیأت مدیره توسط دولت منصوب نمی‌شود	بله (۱)	خیر (۰)
		همه اعضای هیأت مدیره برای دوره بیش از ۵ سال منصوب می‌شوند	بله (۱)	خیر (۰)
	رابطه با دولت	حضور اجباری نماینده دولت در هیأت مدیره وجود ندارد	بله (۱)	خیر (۰)
		تأیید دولت برای اتخاذ تصمیم در مورد سیاست پولی الزامی نیست	بله (۱)	خیر (۰)
	ضوابط اساسی	الزام قانونی برای دنبال کردن ثبات پولی توسط بانک مرکزی وجود دارد	بله (۱)	خیر (۰)
		احکام قانونی برای تقویت موضع بانک مرکزی در صورت بروز اختلاف نظر با دولت وجود دارد	بله (۱)	خیر (۰)
جمع امتیازات مربوط به استقلال سیاسی				
استقلال اقتصادی	تأمین پولی کسری بودجه	سازوکار خودکاری برای دریافت اعتبار دولت از بانک مرکزی وجود ندارد	بله (۱)	خیر (۰)
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت به نرخ بهره بازار صورت می‌گیرد	بله (۱)	خیر (۰)
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت موقت است	بله (۱)	خیر (۰)
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت دارای محدودیت مقداری است	بله (۱)	خیر (۰)
		بانک مرکزی در بازار اولیه اوراق دولت مشارکت نمی‌کند	بله (۱)	خیر (۰)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

(نام‌گذاری) نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)	
	ابزارهای پولی	بانک مرکزی نرخ تنزیل را تعیین می‌کند	بله (۱)	خیر (۰)
		بانک مرکزی وظیفه نظارت بانکی را بر عهده ندارد (۲ امتیاز)/ بانک مرکزی به صورت مشترک وظیفه نظارت بانکی را بر عهده دارد (۱ امتیاز)	بله (۱ یا ۲)	خیر (۰)
جمع امتیازات مربوط به استقلال اقتصادی				

مأخذ: گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱).

جدول (۲) نحوه تعیین امتیاز مرتبط با استقلال قانونی با استفاده از شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) را نشان می‌دهد. شاخص مزبور از وزن‌دهی امتیاز کسب شده در ۴ زیر شاخص پیرامون رئیس کل، تعیین سیاست، اهداف و محدودیت وام‌دهی به دولت و معیارهای مرتبط با هر زیر شاخص (عدد بین ۰ تا ۱) به دست می‌آید.

جدول ۲. شاخص استقلال بانک مرکزی پیشنهادی توسط کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲)

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	امتیاز	وزن متغیر
رئیس کل	دوره مسئولیت	بیشتر از ۸ سال	۱	۰.۰۵
		بین ۶ تا ۸ سال	۰.۷۵	
		۵ سال	۰.۵	
		۴ سال	۰.۲۵	
		کمتر از ۴ سال یا به صلاحدید منصوب کننده	۰	
	مقام منصوب کننده	هیأت مدیره بانک مرکزی	۱	۰.۰۵
		کمیسیونی متشکل از هیأت مدیره، دولت و مجلس	۰.۷۵	
		مجلس	۰.۵	
		هیأت وزیران (مجموعاً)	۰.۲۵	
		یک یا دو عضو دولت	۰	

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	امتیاز	وزن متغیر
	عزل	فاقد سازوکار عزل	۱	۰.۰۵
		فقط به دلایل غیر مرتبط به سیاست‌گذاری	۰.۸۳	
		به صلاحدید هیأت مدیره	۰.۶۷	
		به صلاحدید مجلس	۰.۵	
		فراهم بودن عزل غیرمشروط توسط مجلس	۰.۳۳	
		به صلاحدید دولت	۰.۱۷	
		فراهم بودن عزل غیرمشروط توسط دولت	۰	
	امکان تصدی همزمان سمت دیگر دولتی توسط رئیس کل	خیر	۱	۰.۰۵
		صرفاً با اجازه دولت	۰.۵	
		فاقد محدودیت در این رابطه	۰	
تعیین سیاست	مرجع تعیین سیاست	بانک مرکزی به تنهایی	۱	۰.۰۵
		بانک مرکزی مشارکت دارد لیکن اثرگذاری بانک کم است	۰.۶۷	
		بانک صرفاً به دولت مشاوره می‌دهد	۰.۳۳	
		بانک فاقد اثر است	۰	
	تصمیم‌گیر نهایی در صورت بروز تعارض	بانک مرکزی در موارد تصریح شده در قانون در راستای اهداف بانک	۱	۰.۰۵
		دولت در مورد مرتبط با سیاست‌گذاری غیر مرتبط با اهداف بانک مرکزی یا در صورت بروز تعارض	۰.۸	
		کمیسیونی متشکل از بانک مرکزی، دولت و مجلس	۰.۶	
		مجلس در امور سیاست‌گذاری	۰.۴	
		دولت در مورد مرتبط با سیاست‌گذاری منوط به طی فرآیند مشخص و با امکان اعتراض بانک مرکزی	۰.۲	
		دولت بدون هر گونه شرط	۰	
	نقش در فرآیند بودجه دولت	بانک مرکزی به صورت فعال	۱	۰.۰۵
		بانک مرکزی فاقد اثر	۰	

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	امتیاز	وزن متغیر
اهداف		ثبات قیمتی به تنهایی و دارای اولویت و بانک مرکزی دارای اختیار تصمیم نهایی در صورت بروز تعارض با اهداف دولت	۱	۰.۱۵
		ثبات قیمتی تنها هدف	۰.۸	
		ثبات قیمتی به همراه سایر اهداف سازگار نظیر ثبات نظام بانکی	۰.۶	
		ثبات قیمتی به همراه اهداف دارای تعارض بالقوه نظیر اشتغال کامل	۰.۴	
		فاقد هدف مصرح در قانون	۰.۲	
		اهداف مصرح بدون تصریح ثبات قیمتی	۰	
ممنوعیت قرض‌دهی به دولت	قرض‌دهی بدون وثیقه	غیر مجاز	۱	۰.۱۵
		مجاز با محدودیت حداکثر ۱۵ درصد درآمدهای دولت	۰.۶۷	
		مجاز با سقف مجاز بالاتر از ۱۵ درصد درآمدهای دولت	۰.۳۳	
		مجاز و بدون محدودیت	۰	
	قرض‌دهی با وثیقه	غیر مجاز	۱	۰.۱
		مجاز با محدودیت حداکثر ۱۵ درصد درآمدهای دولت	۰.۶۷	
		مجاز با سقف مجاز بالاتر از ۱۵ درصد درآمدهای دولت	۰.۳۳	
		مجاز و بدون محدودیت	۰	
	شرایط قرض‌دهی (سررسید، نرخ بهره و مقدار)	در اختیار بانک مرکزی	۱	۰.۱
		تعیین شده در قانون	۰.۶۷	
		طبق توافق بانک مرکزی و دولت	۰.۳۳	
		طبق نظر دولت به تنهایی	۰	
	قرض‌گیرندگان بالقوه از بانک مرکزی	فقط دولت مرکزی	۱	۰.۰۵
		همه سطوح دولت	۰.۶۷	
		موارد فوق و شرکت‌های دولتی	۰.۳۳	
		بخش عمومی و خصوصی	۰	
	محدودیت میزان قرض‌دهی	به میزان اسمی	۱	۰.۰۲۵
		سهمی از بدهی عندالمطالبه یا سرمایه بانک	۰.۶۷	

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	امتیاز	وزن متغیر
		سهمی از درآمد دولت	۰.۳۳	
		سهمی از هزینه دولت	۰	
	سررسید وام‌ها	کمتر از ۶ ماه	۱	۰.۰۲۵
		کمتر از ۱ سال	۰.۶۷	
		بیشتر از ۱ سال	۰.۳۳	
		تعیین نشده	۰	
	نرخ بهره وام‌ها	بالاتر از حداقل نرخ	۱	۰.۰۲۵
		نرخ بازار	۰.۷۵	
		کمتر از بیشترین نرخ	۰.۵	
		تعیین نشده	۰.۲۵	
		بدون بهره برای استقراض دولت	۰	
	ممنوعیت خرید با فروش اوراق دولت در بازار اولیه	بله	۱	۰.۰۲۵
		خیر	۰	

ماخذ: محاسبات تحقیق

با در نظر گرفتن ابعاد نهادی، نیروی انسانی، عملکردی و مالی تشریح شده برای استقلال بانک مرکزی در این بخش، بدیهی است هیچ یک از شاخص‌های فوق همه ابعاد یاد شده را به صورت کامل و دقیق پوشش نداده است و هریک از شاخص‌های مزبور را می‌توان از جهاتی مورد نقد قرار داد لیکن دامنه استفاده از شاخص‌های یاد شده به ویژه شاخص معرفی شده در کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در تحقیقات اقتصادی به میزانی است که نتایج بسیاری از تحقیقات به نوعی مبتنی بر استفاده از شاخص‌های موصوف یا با اصلاح جزیی آن‌ها به دست می‌آید. علاوه بر این، استفاده قابل توجه از شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در تحقیقات بسیار، موجب شکل‌گیری داده‌های میزان استقلال قانونی بانک‌های مرکزی در طول دهه‌های گذشته (سری زمانی) و

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

بین‌کشوری شده است که می‌تواند مبنای مناسبی برای تعیین وضعیت نسبی استقلال بانک مرکزی در طرح« قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» در مقایسه با سایر کشورها قرار گیرد.[۱] با این توضیحات، بخش بعدی به اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک مرکزی در وضعیت قبل و بعد از قانون جدید می‌پردازد.

۴. نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این بخش با استفاده از شاخص‌های معرفی شده در بخش قبل (روش تحقیق) برای اندازه‌گیری استقلال قانونی بانک مرکزی تلاش می‌شود تصویر مناسبی از تغییر میزان استقلال قانونی بانک مرکزی از دولت در قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. بدین‌صورت جدول (۳) و (۴) به ترتیب اعداد متناظر شاخص استقلال بانک مرکزی بر مبنای شاخص گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) و کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در قانون پولی و بانکی کشور و قانون جدید بانک مرکزی را نمایش می‌دهد. در هر کدام از زیربخش‌های جداول (۳) و (۴) اعداد متناظر در مورد استقلال قانونی بانک مرکزی، برمبنای متن قانون پولی و بانکی ایی قانون بانک مرکزی استخراج شده و به اصل قوانین در پاورقی ارجاع داده شده است.

۱. مقاله کوکرمن، وب و نیاپتی یکی از پرارجاع ترین مقالات در حوزه اندازه گیری استقلال بانک مرکزی است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

جدول ۳. شاخص استقلال بانک مرکزی پیشنهادی توسط گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) در قانون پولی و بانکی و قانون جدید

(نام‌گذاری)نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)		امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
استقلال سیاسی	انتصاب	رئیس کل توسط دولت منصوب نمی‌شود	بله (۱)	خیر (۰)	۰.۱	۰.۲
		رئیس کل برای دوره بیش از ۵ سال منصوب می‌شود	بله (۱)	خیر (۰)	۰.۳	۰.۴
		هیچ یک از اعضای هیأت مدیره توسط دولت منصوب نمی‌شود	بله (۱)	خیر (۰)	۰.۵	۰.۶
		همه اعضای هیأت مدیره برای دوره بیش از ۵ سال منصوب می‌شوند	بله (۱)	خیر (۰)	۰.۷	۰.۸

۱. بند (۲) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴)

۲. بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. بند (۳) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴)

۴. بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۵. بند (۲) ماده ۱۵ قانون برنامه ششم توسعه

۶. بند (پ) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۷. بند (۳) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴) و بند (ب) ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی کشور و ماده (۱۵) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ـ ۱۳۹۶)

۸. بند (ت) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

(نام‌گذاری)نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)		امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
	رابطه با دولت	حضور اجباری نماینده دولت در هیأت مدیره وجود ندارد	بله (۱)	خیر (۰)	۰[۱]	[۲۰]
		تأیید دولت برای اتخاذ تصمیم در مورد سیاست پولی الزامی نیست	بله (۱)	خیر (۰)	۱[۳]	[۴۱]
	ضوابط اساسی	الزام قانونی برای دنبال کردن ثبات پولی توسط بانک مرکزی وجود دارد	بله (۱)	خیر (۰)	۱[۵]	[۶۱]
		احکام قانونی برای تقویت موضع بانک مرکزی در صورت بروز اختلاف نظر با دولت وجود دارد	بله (۱)	خیر (۰)	۰[۷]	[۸۰]
جمع امتیازات مربوط به استقلال سیاسی					۲	۲

۱. بند (ب) ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی کشور و ماده (۱۵) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ـ ۱۳۹۶)

۲. ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. بند (الف) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور.

۴. بند (۱) ماده (۸) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۵. بند (ب) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور

۶. جزء (۱) بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۷. فقدان حکم صریح در این رابطه

۸. فقدان حکم صریح در این رابطه.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

(نام‌گذاری)نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)		امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
استقلال اقتصادی	تأمین پولی کسری بودجه	سازوکار خودکاری برای دریافت اعتبار دولت از بانک مرکزی وجود ندارد	بله (۱)	خیر (۰)	۰[۱]	۰[۲]
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت به نرخ بهره بازار صورت می‌گیرد	بله (۱)	خیر (۰)	۰[۳]	۰[۴]
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت موقت است	بله (۱)	خیر (۰)	۱[۵]	۱[۶]
		اعتبار اعطایی مستقیم به دولت دارای محدودیت مقداری است	بله (۱)	خیر (۰)	۱[۷]	۱[۸]

۱. بند (الف) ماده (۱۳) قانون پولی و بانکی کشور و ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحات بعدی آن

۲. ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. فقدان حکم صریح در این رابطه (به نظر می‌رسد اعتبارات اعطایی عمدتا فاقد نرخ سود یا با نرخ سود ترجیحی می‌باشد.)

۴. فقدان حکم صریح در این رابطه.

۵. ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحات بعدی آن (به نظر می‌رسد دولت‌ها در ایران به ندرت سایر بدهی‌های خود به بانک مرکزی به غیر از تنخواه خزانه را تسویه می‌کنند).

۶. ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۷. تبصره ماده ۱ تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.

۸. ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

(نام‌گذاری)نوع استقلال	محور	گزاره	اعتبار گزاره (امتیاز)		امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
		بانک مرکزی در بازار اولیه اوراق دولت مشارکت نمی‌کند	بله (۱)	خیر (۰)	۰[۱]	۱[۲]
	ابزارهای پولی	بانک مرکزی نرخ تنزیل را تعیین می‌کند	بله (۱)	خیر (۰)	۱[۳]	۱[۴]
		بانک مرکزی وظیفه نظارت بانکی را بر عهده ندارد (۲ امتیاز)/ بانک مرکزی به صورت مشترک وظیفه نظارت بانکی را بر عهده دارد (۱ امتیاز)	بله (۱ یا ۲)	خیر (۰)	۱۵	۱[۶]
جمع امتیازات مربوط به استقلال اقتصادی					۴	۵
جمع امتیازات مربوط به استقلال بانک مرکزی					۶	۷

ماخذ: محاسبات تحقیق

همان‌گونه که از جدول (۳) به دست می‌آید، در نسخه اولیه و نهایی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، هر دو شاخص استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی وفق روش پیشنهادی گریلی،

---

۱. فقدان حکم صریح در این رابطه (در سنوات اخیر معمولاً در قوانین بودجه سنواتی ممنوعیت خرید اوراق دولتی توسط بانک مرکزی در بازار اولیه بیان می‌گردد. برای نمونه ر.ک. جز (۴) بند (ک) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور).

۲. تبصره (۲) ماده (۴۸) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. بند (۱) ماده (۱۴) قانون پولی و بانکی کشور.

۴ . ماده (۸) و ماده (۴۳) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۵. بند (ب) ماده (۱۱) قانون پولی و بانکی کشور

۶. جزء (۲) بند (الف) ماده (۴) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) افزایش نسبی داشته است[۱]. همچنین مشاهده می‌شود استقلال بانک مرکزی بر مبنای قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ۱۲ درصد کمتر از نسخه اولیه است. مهمترین عوامل بیشتر بودن استقلال بانک مرکزی در نسخه اولیه با استفاده از شاخص گریلی، ماسیاندارو و تابلینی (۱۹۹۱) عبارت بودند از: در نظر گرفتن دوره انتصاب ۵ ساله برای تمامی اعضای هیأت مدیره (شورای پول و اعتبار/هیأت عالی)، عدم الزام حضور نماینده دولت در هیأت مدیره (شورای پول و اعتبار/هیأت عالی) و ممانعت از مشارکت بانک مرکزی در بازار اولیه اوراق دولتی. در نسخه نهایی به واسطه حضور نماینده رسمی دولت در هیات عالی اندازه استقلال دولت کاهش یافته است.

نتایج جدول (۴) نیز حاکی از افزایش استقلال بانک مرکزی بر اساس شاخص پیشنهادی کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در نسخه اولیه و نهایی قانون بانک مرکزی از عدد ۰/۴۲ (وضعیت قبل از قانون جدید) به عدد ۰/۴۵ (عدد متناظر نسخه اولیه و نهایی قانون جدید یکسان است) در مقایسه با امتیاز کامل یک می‌باشد. مهم‌ترین تغییرات در اجزای شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در نسخه اولیه و نهایی قانون بانک مرکزی عبارت است از کاهش امتیاز مرتبط با مقام منصوب کننده و افزایش امتیاز مربوط به عدم جواز قرض‌دهی بدون/با وثیقه به دولت، شرایط عزل رئیس کل و امکان خرید اوراق دولتی در بازار اولیه.

۱. برای کسب اطلاع بیشتر در مورد تغییرات میزان استقلال قانونی بانک مرکزی در طی ادوار مختلف در کشور میتوان به گزارش مرکز پژوهشهای مجلس به شماره مسلسل ۹۵۳۴ مراجعه نمود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

جدول ۴. تغییرات شاخص استقلال بانک مرکزی پیشنهادی توسط کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲)

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	وزن متغیر	امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی
رئیس کل	دوره مسئولیت	۵ سال	۰.۰۵	۱۰/۵	۲۰/۵
	مقام منصوب کننده	هیأت وزیران (مجموعاً)، یک یا دو عضو دولت	۰.۰۵	۳۰/۲۵	۴۰
	عزل	فراهم بودن عزل غیرمشروط توسط دولت	۰.۰۵	۵۰	۶۰
	امکان تصدی همزمان سمت دیگر دولتی توسط رئیس کل	خیر	۰.۰۵	۷۱	۸۱
تعیین سیاست	مرجع تعیین سیاست	بانک مرکزی به تنهایی	۰.۰۵	۹۱	۱۰۱

۱. بند (۳) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴).

۲. بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. بند (۲) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴).

۴. بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۵. تبصره بند (۳) مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳/۸/۲۴).

۶. بند (ب) ماده (۷) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۷. بند (ه) ماده (۲۰) قانون پولی و بانکی کشور.

۸. بند (پ) ماده (۶۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۹. بند (الف) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور.

۱۰ بند (۱) ماده (۸) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	وزن متغیر	امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی
	تصمیم‌گیر نهایی در صورت بروز تعارض	بانک مرکزی در موارد تصریح شده در قانون در راستای اهداف بانک	۰.۰۵	۱۱	۲۱
	نقش در فرآیند بودجه دولت	بانک مرکزی فاقد اثر	۰.۰۵	۳۰	۴۰
اهداف	اهداف	ثبات قیمتی به همراه اهداف دارای تعارض بالقوه نظیر اشتغال کامل	۰.۱۵	۵۰/۴	۶۰/۴
	قرض‌دهی بدون وثیقه	مجاز با محدودیت سه‌درصد (۳٪) بودجه عمومی مصوب دولت	۰.۱۵	۷۰/۶۷	۸۰/۶۷
	قرض‌دهی با وثیقه	مجاز و بدون محدودیت	۰.۱	۹۰	۱۰۰

۱. برداشت ضمنی از بند (الف) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور.

۲. برداشت ضمنی از بند (۱) ماده (۸) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۳. فقدان سازوکار قانونی برای اثر گذاری.

۴. فقدان سازوکار قانونی برای اثر گذاری.

۵. بند (ب) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور.

۶. بند (ب) ماده (۳) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۷. ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحات بعدی آن

۸. بند (ب) ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

۹. فقدان حکم صریح در این رابطه و توجه ضمنی به نتیجه بند قبل.

۱۰. فقدان حکم صریح در این رابطه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	وزن متغیر	امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی
ممنوعیت قرض‌دهی به دولت	شرایط قرض‌دهی (سررسید، نرخ بهره و مقدار)	طبق توافق بانک مرکزی و دولت	۰.۱	۱۰/۳۳	۲۰/۳۳
	قرض‌گیرندگان بالقوه از بانک مرکزی	موارد فوق و شرکت‌های دولتی، همه سطوح دولت	۰.۰۵	۰/۳۳۳	۴۰/۶۷
	محدودیت میزان قرض‌دهی	سهمی از بودجه عمومی	۰.۰۲۵	۵۰/۳۳	۶۰/۳۳
	سررسید وام‌ها	کمتر از یکسال	۰.۰۲۵	۷۰/۶۷	۸۰/۶۷
	نرخ بهره وام‌ها	تعیین نشده	۰.۰۲۵	۹۰/۲۵	۱۰۰/۲۵

۱. فقدان حکم صریح در این رابطه و برداشت ضمنی از اختیارات کلی بانک مرکزی مصرح در قانون
۲. فقدان حکم صریح در این رابطه و برداشت ضمنی از اختیارات کلی بانک مرکزی مصرح در طرح
۳. بند (۱) ماده (۱۳) قانون پولی و بانکی کشور.
۴. بند (الف) ماده (۶۳) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .
۵. ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحات بعدی آن
۶. بند (ب) ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .
۷. ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی کشور و اصلاحات بعدی آن
۸. بند (الف) ماده (۵۰) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .
۹. فقدان حکم صریح در این رابطه (به نظر می‌رسد اعتبارات اعطایی عمدتاً فاقد نرخ سود یا با نرخ سود ترجیحی می‌باشد).
۱۰. فقدان حکم صریح در این رابطه (به نظر می‌رسد اعتبارات اعطایی عمدتاً فاقد نرخ سود یا با نرخ سود ترجیحی می‌باشد).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

عنوان متغیر	زیر بخش متغیر	معیار	وزن متغیر	امتیاز قانون پولی و بانکی کشور	امتیاز قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی
	ممنوعیت خرید با فروش اوراق دولت در بازار اولیه	خیر-بله	۰.۰۲۵	۱۰	۲۱
		شاخص موزون		۰/۴۲۸۷۵	۰/۴۵۸۲۵

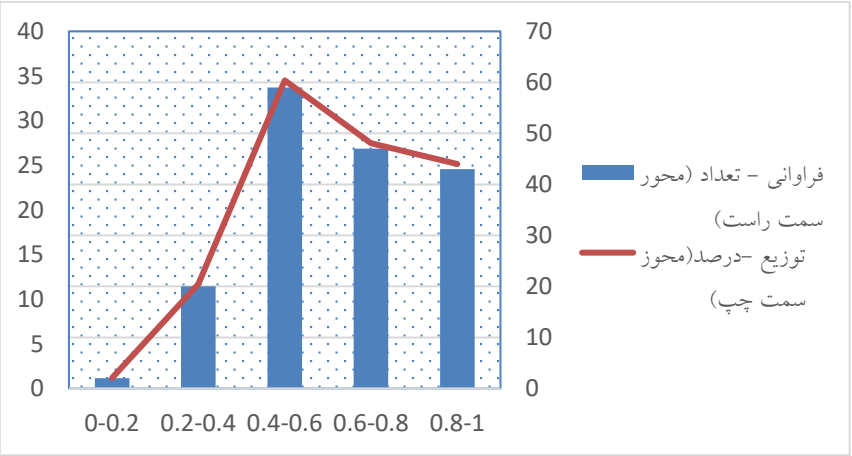

نمودار ۱: فراوانی و توزیع شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی
در کشورهای مختلف بر اساس شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی

به‌منظور اندزه‌گیری اثر تصویب قانون جدید بانک مرکزی بر تغییر رتبه استقلال قانونی بانک مرکزی در مقایسه با سایر کشورها از داده‌های مورد استفاده در گاریگا (۲۰۱۶)[3] استفاده می‌شود که سری زمانی اجزای چهارگانه شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) را برای ۱۸۲ کشور از

---

۱. فقدان حکم صریح در این رابطه (در سنوات اخیر معمولاً در قوانین بودجه سنواتی ممنوعیت خرید اوراق دولتی توسط بانک مرکزی در بازار اولیه بیان می‌گردد. برای نمونه ر.ک. جز (۴) بند (ک) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور.

۲. بند (ب) ماده (۴۸) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» .

3. Garriga

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۲ را ارائه می‌نماید. لازم به ذکر است پس از اعمال برخی اصلاحات در داده‌های فوق از جمله حذف داده‌های محذوف[۱]، شاخص استقلال بانک مرکزی قانون جدید بانک مرکزی با ۱۷۱ کشور در سال ۲۰۱۲ مقایسه شده است.

جدول ۵. آمارهای توصیفی شاخص استقلال بانک مرکزی
بر اساس شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی در ۱۷۱ کشور مورد بررسی

صدک	۱	۵	۱۰	۲۵	۵۰	۷۵	۹۰	۹۵	۹۹
مقدار شاخص	۰/۱۹	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۸	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۹
میانگین	۰/۶۱	میانه	۰/۶۳	حداقل	۰/۱۸	حداکثر	۰/۹۸	تعداد	۱۷۱

مأخذ: کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲).

همان‌طور که در نمودار و جدول بالا مشخص است کمتر از ۱۳ درصد از ۱۷۱ کشور دارای شاخص استقلال قانونی کمتر از ۰/۴ و قریب به ۵۳ درصد از کشورهای مزبور دارای شاخص استقلال قانونی بالاتر از ۰/۶ هستند. طبق قانون پولی و بانکی کشور شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی در بین ۱۸ درصد کشورهای دارای کمترین میزان استقلال است. در حالی که بر اساس قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، استقلال قانونی بانک مرکزی بر مبنای شاخص کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در ایران به ترتیب از ۰/۴۲ به ۰/۴۵ افزایش یافته اما کماکان جزء ۲۵ درصد کشورهای دارای کمترین میزان استقلال خواهد بود.

---

۱. لازم به ذکر است در داده‌های یاد شده شاخص استقلال بانک مرکزی ایران دارای بیش برآورد نسبت به میزان محاسبه شده در جدول (۴) می‌باشد. با عنایت به وجود امکان خطا در تفسیر قانون پولی بانکی کشور توسط گاریگا (۲۰۱۶) شاخص محاسبه شده توسط نگارنده مبنای مقابسه خواهد بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

استقلال بانک مرکزی، یکی از موضوعاتی بود که در سال‌های اخیر پس از مطرح شدن طرح بانک مرکزی بسیار مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت. این مقاله تلاش داشت تا با ارزیابی استقلال قانونی بانک مرکزی از دولت در نسخه اولیه و نهایی قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی و مقایسه آن با وضعیت فعلی و رتبه‌بندی‌های بین‌المللی تصویری روشن‌تر از وضعیت استقلال بانک مرکزی ارائه کند.

در این مقاله ضمن معرفی اجزای دو شاخص پر استفاده در ادبیات اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی، اعداد متناظر آنها برای قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قوانین فعلی در حوزه بانک مرکزی استخراج شد. نهایتاً پس از مقایسه نتایج مشخص گردید از نظر دو شاخص فوق، میزان استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون بانک مرکزی به نسبت شرایط فعلی افزایش می‌یابد. به طور دقیقتر بر اساس شاخص گریلی و همکاران شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون بانک مرکزی به نسبت قانون پولی-بانکی فعلی به ترتیب از ۶ به ۷ افزایش می‌یابد، (عدد ۱۴ معادل استقلال قانونی کامل) همچنین بر اساس شاخص کوکرمن و همکاران از ۰/۴۲ به ۰/۴۵ (عدد یک معادل استقلال قانونی کامل) افزایش پیدا می‌کند.

در نهایت باید اشاره کرد که میزان استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی افزایش یافته امّا کماکان بانک مرکزی را در زمره ۲۵ درصد کشورهای با کمترین میزان استقلال قرار می‌دهد. استقلال بانک مرکزی در قانون جدید بانک مرکزی به نسبت قانون پولی و بانکی کشور، بر مبنای شاخص گریلی افزایش ۱۶/۶ درصدی و بر مبنای شاخص کوکرمن نیز افزایش حدود ۷ درصدی را در بر دارد. بنابراین به نظر می‌رسد علی‌رغم آنکه تصویب قانون جدید گامی رو به جلو در راستای استقلال‌بخشی به بانک مرکزی از دولت بوده اما وضعیت استقلال بانک

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

مرکزی از دولت همچنان نیازمند افزایش و بهبود است. به منظور تقویت استقلال قانونی بانک مرکزی اصلاحات زیر قابل توصیه است:

۱. اصلاح ماده ۷ قانون بانک مرکزی و تحدید حق عزل اعضای غیراجرایی هیات عالی

۲. اصلاح ماده ۷ قانون بانک مرکزی و جایگزینی اقتصاددانان به جای اعضای دولتی هیات عالی

۳. اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و ممنوعیت عزل رییس کل توسط رییس جمهور

۴. اصلاح ماده ۵۰ قانون بانک مرکزی و ممنوعیت هرگونه استقراض دولت از بانک مرکزی

البته باید توجه داشت که مهمتر از استقلال قانونی استقلال بانک مرکزی در عمل است که تابع یک اراده سیاسی مبنی بر کنترل تورم و انضباط مالی و بودجه‌ای است. در صورت فقدان چنین اراده‌ای تغییر قوانین نمی‌تواند راهگشا باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

منابع

بشخور مرجانه (۱۴۰۰). «بررسی طرح قانون بانک مرکزی با تأکید بر استقلال بانک مرکزی»، *امنیت اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۷ (پیاپی ۹۰).

درخشانی درآبی، کاوه و یوسف محنت‌فر (۱۳۹۵). «بررسی نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکومت خوب». *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۴(۱)، صص ۴۳-۷۰.

رحمانی، تیمور و محمدامین صادق‌زاده (۱۳۸۹). «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی». *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۶، صص۲۱۳-۲۴۰.

رحمانی تیمور و شیرکو سهرابی (۱۴۰۲). «معمای رشد نقدینگی و کمبود نقدینگی بنگاه ها در ایران، سی و سومین همایش بانکداری اسلامی: علل ناترازی بانک ها و راه‌های برون رفت از آن»، *هدایت اعتباری و رشد بدون تورم*، ۷-۸ شهریور، تهران، ایران.

شعبانی‌فرد، علی و میرسجاد سید موسوی (۱۴۰۲). «آسیب‌شناسی ساختارهای نظارت بر موسسات پولی و مالی در ایران». *مطالعات حقوق*، شماره ۳۳، صص ۲۹۵-۳۰۹.

غلامی، امیر؛ احمدی، سید محمد مهدی و فاطمه پورقبادی (۱۴۰۰). «تأثیر استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری سیاستی بر کنترل تورم در اقتصاد کشورهای در حال توسعه». *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، ۱۰(۳۹)، صص ۷۵۳-۷۷۹.

قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نسخه نهایی ابلاغ شده.

قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱.

نیازی محسنی، محسن؛ شهرستانی، حمید؛ هژبرکیانی، کامبیز و فرهاد غفاری (۱۳۹۷). «بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی با تأکید بر نقش استقلال بانک مرکزی». *پژوهش‌های پولی بانکی*، ۱۱(۳۶)، صص۱۵۱-۱۸۲.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

Adrian T., Khan A. & L. Menand (2024). *A New Measure of Central Bank Independence*, IMF working Paper.

Alesina A. & L.H. Summers (1993). "Central bank independence and macroeconomic performance: Some empirical evidence". *Journal of Money, Credit, and Banking*, 25(2), pp. 151-181

Arnone M., Laurens B. & J.F. Segalotto (2006). *Measures of central bank autonomy: empirical evidence for OECD, developing, and emerging market economies*.

Amtenbrink F. (2009). Securing financial independence in the legal basis of a central bank. SSRN.

Barro R.J. and D. Gordon (1983). "Rules, Discretion, and Reputation in a Positive Model of Monetary Policy", *Journal of Monetary Economics*, No. 12, pp. 101-121.

Berger H., De Haan J. & S.C. Eijffinger (2001). "Central bank independence: an update of theory and evidence". *Journal of Economic surveys*, 15(1), pp. 3-40.

Binder C. C. (2021). "Political pressure on central banks". *Journal of Money, Credit and Banking*, 53(4), pp. 715-744.

Blinder A. S. (1999). *Central banking in theory and practice*. Mit press.

Bodea C. & M. Higashijima (2017). Central Bank Independence and Fiscal Policy: Can the Central Bank Restrain Deficit Spending? British Journal of Political Science, 47(1), 47-70. doi:1017/10/S0007123415000058

Cukierman A. and S.B. Webb (1995). "Political influence on the central bank: international evidence". *The World Bank Economic Review*, 9(3), pp.397-423.

Cukierman A., Web S.B. and B. Neyapti (1992). "Measuring the independence of central banks and its effect on policy outcomes". *The world bank economic review*, 6(3), pp.353-398.

Cukierman Alex (1994). "Central Bank Independence and Monetary Control". *Economic Journal, Royal Economic Society*, 104(427), pp. 1437-1448.

De Haan J. & W.J. Kooi (2000). "Does central bank independence really matter?: New evidence for developing countries using a new indicator". *Journal of Banking & Finance*, 24(4), pp. 643-664.

Eijffinger S-C-W & J. de Haan (1996). "The Political Economy of Central-Bank Independence". *Princeton Studies in International Economics*, 19 International Economics Section, Departement of Economics Princeton University.

Friedman M. (1970). "A Theoretical Framework for Monetary Analysis". *Journal of Money, Credit and Banking*, 2(1), pp. 37-56

Friedman M. (1962). "Should There Be an Independent Monetary Authority?". In L. B. Yeager (ed.), In Search of a Monetary Constitution, 219–43. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Garriga A.C. & C.M. Rodriguez (2020). "More effective than we thought: Central bank independence and inflation in developing countries". *Economic Modelling*, No.85, pp. 87-105.

Greenspan Alan (1994). "Testimony before the Subcommittee on Economic Growth and Credit Formation of the Committee on Banking, Finance and Urban Affairs", U.S. House of Representatives, February 22, 1994.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]

Grilli V., Masciandaro D. and G. Tabellini (1991). "Political and monetary institutions and public financial policies in the industrial countries". *Economic policy*, 6(13), pp.341-392.

Jasmine M.F., Mona E.F. & A.E.H. Talla (2019). "A new insight into the measurement of central bank independence". *Journal of Central Banking Theory and Practice*, *8*(1), pp. 67-96.

Koziuk V. (2016). "Independence of central banks in commodity economies". *Visnyk of the National Bank of Ukraine*, (235), pp. 6-25.

Kydland F.E. & E.C. Prescott (1977). "Rules rather than discretion: The inconsistency of optimal plans". *Journal of political economy*, *85*(3), pp. 473-491.

Lybek T. (2004). Central Bank autonomy, accountability, and governance: conceptual framework. In Current Developments in Monetary and Financial Law, Vol. 4. International Monetary Fund.

Mishkin F.S. (2007). Monetary policy strategy. Mit press.

Robinson J.A. and D. Acemoglu (2012). Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty. London: Profile.

Garriga A.C. & C.M. Rodriguez (2023). "Central bank independence and inflation volatility in developing countries". *Economic Analysis and Policy*, 78, pp.1320-1341.

Rogoff K. (1985). "The Optimal Degree of Commitment to an Jntennediate Monetary Target", *Quarterly Journal of Economics*, No. 100, pp. 1169-1190.

Smaghi L.B. (2007). *Central bank independence: from theory to practice*. https://www.ecb.europa.eu/press/key/date/2007/html/sp070419.en.html

Uribe M. (2016). *Is the Monetarist Arithmetic Unpleasant?* (No. w22866). National Bureau of Economic Research.

Walsh C.E. (2010). *Central bank independence*. In Monetary Economics (pp. 21-26). Palgrave Macmillan, London.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.61186/qjerp.32.112.6]